

بررسی فساد اداری از دیدگاه قرآن و احادیث

مهدی اکبر نژاد *

مینا یعقوبی **

فرزاد غلامی ***

پذیرش نهایی: ۹۳/۵/۲۱

دریافت مقاله: ۹۲/۲/۱۴

چکیده

این پژوهش با به‌کارگیری شیوه اسنادی و بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی بر مبنای محتوای قرآن کریم و اصلی‌ترین متون روایی شیعه به بررسی مسئله فساد اداری پرداخته است. ماهیت فساد اداری از این دیدگاه تبیین شد که عبارت است از ایجاد هرگونه اخلال و انحراف در اهداف و عملکرد بایسته حکومت اسلامی؛ هم‌چنین به برخی از گونه‌های آشکار فساد اداری در این متون همچون ارتشا، رابطه‌گرایی، تقلب و تزویر اشاره شده است. در ادامه پاسخگویی به سؤالات تحقیق، پیامدهای عمومی و فردی فساد، و نهایتاً راهکارهای مبارزه با این پدیده در قالب راهکارهای سازمانی، اقتصادی، فرهنگی و قضایی دسته‌بندی شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که به‌رغم نو بودن طرح مسئله فساد اداری با توجه به جایگاه و اهمیت حکومت در تعالی مادی و اخروی انسان در منابع اسلامی به این مهم پرداخته شده است و به‌طور کلی اسلام یک دیدگاه همه‌جانبه‌نگر و سامانمند به زمینه‌ها و راهکارهای مبارزه با فساد اداری دارد. **کلید واژه‌ها:** فساد اداری، گونه‌های فساد اداری، راهکارهای مبارزه با فساد اداری، فساد اداری از نظر قرآن و حدیث.

m_akbarnezhaad@yahoo.com

* دانشیار دانشگاه ایلام

** نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام

yaghoobi.mina@gmail.com

fgholami.ir@gmail.com

*** دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام

مقدمه و بیان مسئله

فساد اداری به عنوان یکی از عمومی‌ترین گونه‌های فساد، مرزهای زمان و مکان را درنوردیده است و با این ویژگی نه به زمان خاصی تعلق دارد و نه به جامعه خاصی مربوط می‌شود. این پدیده، پیامدهای منفی بسیاری به همراه دارد از جمله اینکه بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است (مائورو^۱، ۱۹۹۵)؛ سرمایه‌گذاری خارجی را با مانع روبه‌رو می‌سازد (ژائو^۲ و دیگران، ۲۰۰۳)؛ سطح سرمایه انسانی را کاهش می‌دهد و اعتماد نسبت به نهادهای دولتی و خصوصی را از بین می‌برد (هاستد^۳، ۲۰۰۲). فساد اداری به مفهوم علمی آن در سال ۱۹۶۰ ظهور پیدا کرد (ارتیمی و سانه^۴، ۲۰۱۳). اما سابقه تاریخی توجه به فساد اداری و تحریک این دغدغه در نهادهای بین‌المللی بویژه نهادهای پولی و اقتصادی به سال ۱۹۶۶ بر می‌گردد (یزدانی و ربیع، ۱۳۸۹: ۳). در حال حاضر نیز کنفرانس بین‌المللی مبارزه با فساد، تحت نظارت شورای کنفرانس بین‌المللی شفاف‌سازی، عمده‌ترین اجلاس جهانی طرفدار مبارزه با فساد در عمل است. این کنفرانس از سال ۱۹۸۳ متخصصان و صاحب‌نظران مسائل مربوط به فساد را برای تبادل نظر و عرضه اطلاعات و یافته‌ها درباره مبارزه با فساد دور هم جمع می‌کند (عباس زادگان، ۱۳۸۹). کشورهای مختلف جهان، ضمن بهره‌گیری از نتایج این مطالعات به بررسی فساد اداری، در چارچوب قوانین و فرهنگ جامعه خویش می‌پردازند؛ زیرا فساد از یک سو در بروکراسیهای پیچیده و آسیب‌زا و از سوی دیگر در هنجارها و ارزشهای غلط اجتماعی ریشه دارد که هر دوی اینها بسته به نظر قانونگذاران و نیز بسته به سبک تعاملات اجتماعی مردم در جوامع مختلف، متفاوت خواهد بود. متأسفانه در کشور ایران، پژوهشها و مطالعات معدودی در باره فساد اداری به عمل آمده است؛ از این میان سهم پژوهشهای اسلامی نیز بسیار محدودتر و حتی انگشت‌شمار است. بررسی چنین مسئله‌ای از دیدگاه اسلام به این دلیل اهمیت دارد که حکومت و فرهنگ جامعه ما به‌طور کلی از احکام و آموزه‌های دینی سرچشمه می‌گیرد. در همین راستا این پژوهش در صدد است تا با بهره‌گیری از مهمترین منابع دین اسلام، یعنی قرآن کریم و سیره معصومین (ع)، ابعاد مختلف این مسئله را مورد بررسی قرار دهد.

1- Mauro

2- Zhao

3- Husted

4- Ertimi & Saeh

اهداف پژوهش

- ۱- تبیین ماهیت فساد اداری از دید قرآن و احادیث
- ۲- شناسایی گونه‌های فساد اداری در متون اسلامی
- ۳- تعیین پیامدهای فساد اداری بر مبنای آموزه‌های دینی
- ۴- ارائه راهکارهای مبارزه با فساد اداری با استفاده از آیات و سیره معصومین (ع)

سؤالات پژوهش

- این پژوهش بر آن است تا به این سؤالات پاسخ دهد:
- ۱- ماهیت فساد اداری از دیدگاه اسلام چیست؟
 - ۲- گونه‌های فساد اداری در قرآن و حدیث کدام است؟
 - ۳- پیامدهای فساد اداری از دید منابع دینی چیست؟
 - ۴- راهکارهای مبارزه با فساد اداری بر مبنای آیات و روایات چیست؟

روش تحقیق

هدف مقاله پیش رو بررسی فساد اداری بر مبنای آموزه‌های اسلامی است که از روش تحلیل اسنادی به شیوه توصیفی - تحلیلی برای بررسی سؤالات پژوهش استفاده شده است. منابع این پژوهش، شامل قرآن کریم، نهج البلاغه، کتابهای اربعه (دوره متقدمین) و سایر منابع معتبر حدیثی متأخر شیعه مانند بحارالانوار بوده است. تحلیل محتوای قرآن می‌تواند برداشتی تازه از متن آیات بفهماند و یا مؤیدی برای تأیید برداشتی از قرآن قرار بگیرد؛ به عنوان مثال حتی از ترتیب، تعداد و موقعیت آیات می‌توان به معانی جدیدی از قرآن دست یافت که آشکارا در متن آیات ذکر نشده است؛ به همین دلیل، پژوهش در آیات و روایات به منظور مطالعه چنین موضوعی به نوعی برداشت خاص نیاز دارد. در این پژوهش در وهله نخست با مطالعه ادبیات مربوط به موضوع، زمینه‌های لازم برای ورود به تحقیق فراهم شد؛ سپس با مراجعه به منابع بر مبنای کاربرد کلیدواژه فساد و مترادفات آن همچون: خَبَل، نُجُور، دَخَل، عَثُو، بَوَار، فَحْشَاء، ظَلَم، بَغْي، تَعَدَى و... و متضادهای آنها مانند عدل، قسط، اصلاح و... و نیز منهیات اسلامی همچون، احتکار، کنز، استنثار، غش و... در حوزه‌های

مربوط به اداره جامعه و نیز حوزه اصلاحات اجتماعی پیامبران و معصومین (ع) در قرآن کریم و متون روایی به فیش برداری از مطالب و دسته‌بندی و تحلیل آنها به منظور پاسخگویی به سؤالات خود یعنی ماهیت، گونه‌ها و شیوه‌های مبارزه با فساد اداری پرداخته شده است. در به‌کارگیری آیات و روایات، سعی شده است که تا حد امکان به ظاهر مفهوم استناد شود و در این راستا از تفاسیر معتبر استفاده شد. محقق تمام تلاش خود را برای گردآوری همه شواهد و نمونه‌ها به عمل آورده است اما ادعای دستیابی به استقرای تام را ندارد.

بحث و بررسی

پس از درک جایگاه آموزه‌های اسلامی در ساختار فرهنگی و اجتماعی و نیز سامانه مدیریتی کشور، و ضرورت تحقیق چالش مدیریتی فساد اداری بر اساس معارف و اصول اسلامی در ادامه به بررسی سؤالات این پژوهش از دیدگاه قرآن و روایات خواهیم پرداخت.

۱ - ماهیت فساد اداری

واژه فساد در زبان انگلیسی معادل corruption از ریشه فعل لاتین rumpere به معنای شکستن است؛ بنابراین در فساد چیزی می‌شکند یا نقض می‌شود؛ این چیز ممکن است رفتار اخلاقی یا شیوه قانونی یا غالباً مقررات اداری باشد (صفری و نائی، ۱۳۸۰). فساد گونه‌ای از رفتار مقامات دولتی است که در آن به طور ناصحیح و غیرقانونی با سوء استفاده از قدرت عمومی واگذار شده به آنها، خود و نزدیکانشان را غنی می‌کنند (استفان هارست و لانگست^۱، ۱۹۹۷). تعریف استاندارد فساد اداری، سوء استفاده از اختیارات دولتی - قدرت عمومی - برای کسب منافع شخصی است (نای^۲، ۱۹۶۷). این تعریف، مورد توافق عمومی در جهان است (عباس زادگان، ۱۳۸۹). اما فساد در زبان عربی به معنای خارج شدن شیء از حالت اعتدال است؛ کم باشد یا زیاد. فساد در نفس، بدن و هر چیزی که از اعتدال خارج شود، کاربرد دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). بنا به تعریف لغوی، فساد با ظلم مترادف است؛ زیرا ظلم نیز به معنای خروج و تجاوز از حق (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲) و قرار دادن شیء در غیر مکان آن است (ابن منظور، ۱۴۱۴). از این رو می‌توان گفت که اصلاح و عدل، هر دو در مقابل فساد قرار می‌گیرد. در فرهنگ اسلامی، نهاد اداره جامعه،

1 - Stapenhurst & Langseth

2 - Nye

«حکومت» خوانده می شود. حکومت از ریشه حکم است. حکم در لغت به معنای کار محکم و استوار (مهیاری، بی تا) و منع و بازداشتن برای اصلاح، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲) و حکومت به معنای جلوگیری فرد از ظلم و ستم است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق). بنابراین، اساس نظام اداری جامعه اسلامی بر مبنای عدل و اصلاح است که هر دو در تضاد ماهوی با فساد قرار دارد. آیات قرآن کریم نیز بر اساسی بودن عنصر عدالت در حکومت الهی تأکید می کند: "لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ" (حدید/۲۵): براستی (ما) پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم عدالت را برپا دارند.

"مراد به انزال میزان انزال اسباب آن است و امر به اعداد آن و نزد بعضی مراد به آن عدل است که مستلزم سیاست مدنی است و سبب انتظام امور و موجب آن دفاع (در برابر) اعدای دین (است)" (کاشانی، ۱۳۳۶: ۱۸۷).

در آیات دیگر آمده است: "إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِبِينَ خَصِيمًا" (نساء/۱۰۵): ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم تا میان مردم به (موجب) آنچه خدا به تو آموخته است، داوری کنی و زنهار جانبدار خیانتکاران مباش.

"يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ" (ص/۲۶): ای داوود ما تو را در زمین خلیفه (و جانشین) گردانیدیم؛ پس میان مردم به حق داوری کن. در آیه‌های بعدی سوره «ص» به تمجید از این مسئولیت خطیر حضرت داود(ع) پرداخته، و حکومت بر اساس حق، مصداق عمل صالح و عکس آن، مصداق فساد دانسته شده است: "أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ" (ص/۲۸): (مگر) کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند چون مفسدان در زمین قرار می‌دهیم؟

در روایات اسلامی نیز به جایگاه عدل در اداره جامعه این چنین اشاره شده است: "إِنَّ الْعَدْلَ مِيزَانُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ الَّذِي وَضَعَهُ فِي الْخَلْقِ وَ نَصَبَهُ لِإِقَامَةِ الْحَقِّ فَلَا تُخَالَفُهُ فِي مِيزَانِهِ وَلَا تُعَارِضُهُ فِي سُلْطَانِهِ" (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۲۲۴): همانا عدالت میزان خداوند سبحان است که در میان خلق قرار داده و برای برپایی و قوام حق نصب فرموده است؛ بنابراین درباره میزان خداوند با او مخالفت، و با سلطنت او معارضه نکنید.

"الْعَدْلُ نِظَامُ الْأَمْرَةِ" (همان: ۴۶): عدل، سازمان‌دهنده حکومت است.

"مَلَائِكُ السِّيَاسَةِ الْعَدْلُ" (همان: ۷۰۲): معیار سیاست، عدل است.

"فِي الْعَدْلِ الْإِقْتِدَاءُ بِسُنَّةِ اللَّهِ وَثُبَاتُ الدُّوَلِ" (همان: ۴۷۹): در عدالت، اقتدا به سنت خداوند و برقراری دولتهاست.

در مجموع می‌توان گفت که حکومت در اسلام معادل قوام و اصلاح کار مسلمین در جهت مصالح دنیوی و اخروی آنها بر مبنای عدالت است درحالی‌که فساد با توجه به معنای لغوی و کاربرد قرآنی آن، درست در نقطه مقابل این امر قرار دارد. بر همین اساس، فساد اداری به هر نوع عملی اطلاق می‌شود که از جانب هر کسی و به هر صورتی و هر انگیزه‌ای انجام گیرد؛ به گونه‌ای که در اهداف و عملکرد نهادهای دولتی اختلال ایجاد، و یا آن را از مسیر صحیح خویش منحرف کند.

۲ - گونه‌های فساد اداری

پژوهشگران، فساد اداری را در قالب انواع و گونه‌های مختلفی، شناسایی و تقسیم بندی کرده‌اند. در آیات قرآن و روایات اسلامی نیز به انواعی از فساد اشاره شده است که معادل آن را در سامانه اداری جامعه می‌توان مشاهده کرد. مفساسدی از قبیل دریافت رشوه، خیانت در امانت، تقلب و غش در معامله، احتکار، رابطه‌گرایی، کم فروشی، ربا خواری، اتلاف سرمایه های خدادادی، عدم پرداخت سهم بیت المال از اموال شخصی، تکاثر، کنز، اسراف و... در ذیل به برخی از رایجترین و شناخته‌شده‌ترین مفساسد اداری با استفاده از قرآن و احادیث اشاره می‌شود:

۲ - ۱ - ارتشا

مورد استعمال رشوه معمولاً برای چیزی است که به منظور باطل کردن حق یا اجرای باطلی داده می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵). ارتشا در اصطلاح حقوق جزا، "گرفتن یا قبول (مستقیم یا غیر مستقیم) وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال از سوی هر یک از مستخدمان و ماموران دولتی یا قوای سه گانه و نیروهای مسلح و... به منظور انجام دادن یا ندادن امری که به سازمانها و ادارات فوق الذکر مربوط است" (شاملو احمدی، ۱۳۸۰: ۲۹). در متن قرآن کریم این واژه به کار نرفته است؛ اما کلمه سُّحْت سه بار در آیات ۴۲، ۶۲ و ۶۳ سوره مائده بیان شده که به معنای حرام یا هر نوع کسب حرام است. ارتشا یکی از مصداقهای کسب حرام است که معمولاً مفسران در ذیل تفسیر سُّحْت آن را بیان کرده‌اند. در تقسیم انواع معانی سحت، که در تفسیر زاد المسیر آمده است از سه معنی دو مورد به رشوه بر می‌گردد و آن دیگری مفهوم عامی است که رشوه را نیز در بر دارد (ابن جوزی، ۱۴۲۲). صاحب تفسیر روایی جامع البیان نیز با بیان اسناد متعدد و مختلف، سحت

را به معنای رشوه دانسته است (طبری، ۱۴۱۲). اما چگونگی برخورد با ارتشا از بررسی آیات ۴۲ و ۶۳ سوره مائده به دست می آید؛ به عنوان مثال در آیه ۶۳ بر لزوم برخورد قاطع نخبگان و صاحبان جامعه با هر گونه فساد و از جمله فساد مالی ارتشا تأکید می شود: "لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّائِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْاِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ" (مائده / ۶۳): چرا الهیون و دانشمندان، آنان را از گفتار گناه (آلود) و حرامخوارگیشان باز نمی دارند؟ راستی چه بد است آنچه انجام می دادند.

رسول خدا(ص) نیز در باب تحریم رشوه می فرماید: "إِيَّاكُمْ وَ الرِّشْوَةَ فَإِنَّهَا مَحْضُ الْكُفْرِ وَ لَا يَشْمُ صَاحِبُ الرِّشْوَةِ رِيحَ الْجَنَّةِ" (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۷۴): شما را باد بر رشوه که از آن حذر کنید؛ زیرا کفر محض است و صاحب رشوه بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد. هم چنین در حدیثی عتاب آمیز، سه طرف ارتشا را مورد لعن قرار می دهند: "الرَّاشِي وَ الْمُرْتَشِي وَ الْمَاشِي بَيْنَهُمَا مُلْعُونُونَ" (شعیری، ۱۳۶۳: ۱۵۶): رشوه دهنده و رشوه گیرنده و واسطه بین آنها، هر سه ملعونند.

امام علی (ع) نیز در نامه ۷۹ نهج البلاغه در باب آثار شوم ارتشا در جامعه چنین سخن می گویند: "أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ مَعَّوَا النَّاسَ الْحَقَّ فَاشْتَرَوْهُ وَ أَخَذُوهُمْ بِالْبَاطِلِ فَاقْتَدَوْهُ": پس از یاد خدا و درود! همانا ملت‌های پیش از شما به هلاکت رسیدند؛ بدان دلیل که حق مردم را نپرداختند؛ پس دنیا را با رشوه دادن به دست آوردند و مردم را به راه باطل بردند و آنان اطاعت کردند.

علاوه بر این، معصومین (ع) در عمل نیز با قاطعیت به برخورد با رشوه خواری پرداخته اند که گزارش محکمترین این برخوردها در منابع روایی موجود است (برای نمونه نک، نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴).

۲ - ۲ - رابطه گرایی

خویشاوند گرایی یا گرایش به خاندان و قوم خود در زبان عربی با واژه های عصبیت و تعصب بیان می شود (مهیار، بی تا). رابطه گرایی در علم مدیریت به این معناست که دوستان و خویشاوندان مدیر در خارج از سازمان، ممکن است دوستی و خویشاوندی را با سازمان مد نظر قرار دهند و انتظار داشته باشند که امتیازات ویژه ای به آنها تعلق گیرد (خدمتی و دیگران، ۱۳۸۲). گاهی از این امتیازات ویژه به «رانت خواری» تعبیر می شود؛ یعنی هر نوع استفاده مادی و معنوی که از ارتباطات ویژه و جایگاه و موقعیت مدیر توسط اطرافیان صورت بگیرد و به دلیل آن چیزی که دیگران

امکان دسترسی به آن را ندارند به آسانی بتوانند به خود اختصاص دهند (امیری، ۱۳۸۷).

در قرآن کریم برای دوستی، گرایشها و روابط انسانی معیار تعیین شده است؛ معیار ایمان و تقوا نه تعصبها و منفعت طلبی: "یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَکُمْ وَ إِخْوَانَکُمْ أَوْلِیَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْکُفْرَ عَلَی الْإِیمَانِ وَ مَنْ یَتَوَلَّهُمْ مِنْکُمْ فَأُولَئِکَ هُمُ الظَّالِمُونَ" (توبه/ ۲۳): ای اهل ایمان، شما پدران و برادران خود را نباید دوست بگیرید اگر آنها کفر را بر ایمان برگزینند و هر کس از شما آنان را دوست گیرد، چنین کسانی بی شک ستمکارند.

در آیه دیگر می‌فرماید: "وَلَا تَرْکُنُوا إِلَى الَّذِینَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّکُمُ النَّارُ وَ مَا لَکُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِیَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ" (هود/ ۱۱۳): و (شما مؤمنان) هرگز نباید با ظالمان همدست و دوست و بدانها دلگرم باشید و گر نه آتش (کیفر آنان) شما را هم خواهد گرفت و در آن حال جز خدا هیچ دوستی نخواهید داشت و هرگز کسی شما را یاری نخواهد کرد. علاوه بر این، خداوند متعال، تبارگرایی بدون زمینه‌های شایستگی و استحقاق را از جانب هر کس که صورت گیرد نمی‌پذیرد: "وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِیمَ رَبُّهُ بِکَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّی جَاعِلُکَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِی قَالَ لَا یَنَالُ عَهْدِی الظَّالِمِینَ" (بقره/ ۱۲۴): و (به یاد آر) هنگامی که خدا ابراهیم را به اموری امتحان فرمود و او همه را به جای آورد؛ خدا به او گفت من تو را به پیشوایی خلق برگزینم. ابراهیم عرض کرد فرزندان من چطور. فرمود (اگر شایسته باشند، می‌دهم؛ زیرا) عهد من به مردم ستمکار نخواهد رسید. خداوند در این آیه، هم اهمیت و حساسیت جایگاه رهبری و اداره جامعه را بیان می‌فرماید و هم از به کرسی نشستن مردمان ظالم و فاسد نهی می‌کند. در نهایت نیز خویشاوندی و نسبت داشتن با پیامبر خدا را دلیل کافی برای امامت و جانشینی ایشان نمی‌داند و آشکارا از این گونه رابطه‌گرایی نهی می‌کند. این نوع طرد و دفع قوم مداری در ارتباط با دیگر پیامبران الهی همچون حضرت نوح(ع) و پسر وی، حضرت لوط(ع) و همسر او و ... دیده می‌شود. در روایات اسلامی نیز به این موضوع مهم پرداخته شده است؛ به عنوان مثال از امام سجاد(ع) درباره عصیبت سؤال شد، ایشان پاسخ دادند: "الْعَصِیْبَةُ الَّتِی یَأْتُمُّ عَلَیْهَا صَاحِبُهَا أَنْ یَرَى الرَّجُلُ شِرَارَ قَوْمِهِ خَیْرًا مِنْ خَیْرِ قَوْمِ آخِرِینَ وَ لَیْسَ مِنَ الْعَصِیْبَةِ أَنْ یُحِبَّ الرَّجُلُ قَوْمَهُ وَ لَکِنْ مِنَ الْعَصِیْبَةِ أَنْ یُعِینَ الرَّجُلُ قَوْمَهُ عَلَی الظُّلْمِ" (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۷۳): قوم‌گرایی که گناه به شمار می‌رود، این است که فرد اشرار خاندان خود را بهتر از برگزیدگان و نیکان قوم دیگر بداند و صرف دوست داشتن خاندان خویش، عصیبت نیست. اما تعصب و تبارگرایی این است که کسی قومش را بر انجام ظلمی یاری دهد.

امام صادق(ع) نیز در مذمت عمل رانت خوار و رانت دهنده از دیدگاه اسلام، بیان رسایی دارند: "مَنْ تَعَصَّبَ أَوْ تَعَصَّبَ لَهُ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِهِ" (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۰۷): کسی که قوم مداری(بی جا) می کند و یا کسی که این کار به نفع او صورت می گیرد، گردن آویز ایمان را از گردن خود بیرون کشیده است.

۲ - ۳ - تقلب و تزویر

بسیاری از مفسد اداری را که امروزه به وقوع می پیوندد می توان در زیر مجموعه بحث تقلب و کلاهبرداری و تعبیر دینی آن یعنی غش جای داد. "غش در لغت به معنای تقلب و تزویر و خیانت، و در اصطلاح یعنی جنس خوب را با جنس بد مخلوط کردن یا اینکه فروشنده، جنس نامرغوب را به صورت کالای مرغوب عرضه کند به گونه ای که مشتری و خریدار نفهمد" (حسینی دشتی، ۱۳۷۶: ۶۱۰). باید دانست که غش و تقلب تنها در معاملات تجاری و در صحنه بازار روی نمی دهد؛ بلکه این اصطلاح، معنایی عام دارد که هر نوع تزویر و کلاهبرداری و تدلیسی را شامل می شود و اگر این مفسده در حوزه کاری کارمندان دولت و صاحبان مناصب مدیریتی روی دهد با عنوان فساد اداری از آن یاد می شود. کارمندان و مدیران دولتی ممکن است با سوء استفاده از موقعیتی همچون پیچیدگیهای مقررات اداری و نبودن قوه نظارتی کارآمد و ... به جعل، تقلب و تدلیس برای جلب منافع تحت تصدی به نفع خود یا دیگران اقدام کنند. واژه غش در قرآن کریم نیامده است، اما در روایات اسلامی بسیار به چشم می خورد و به عنوان یکی از محرمات الهی از آن نهی شده است؛ مانند روایات ذیل:

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: "مَنْ عَشَّ مُسْلِمًا فِي شِرَاءٍ أَوْ بَيْعٍ فَلَيْسَ مِنَّا وَ يُحْشَرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ الْيَهُودِ" (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱۳): هر کس در خرید و فروش با برادر مسلمان خود فریبکاری نماید از ما نیست و در روز قیامت با قوم یهود محشور خواهد شد.

باز از آن حضرت(ص) روایت شده است که: "مَنْ عَشَّ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ نَزَعَ اللَّهُ عَنْهُ بَرَكَهَ رِزْقِهِ، وَأَفْسَدَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ، وَوَكَّلَهُ إِلَى نَفْسِهِ" (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۶۴): هر که به برادر مسلمان خود دغلکاری روا دارد، خداوند برکت را از روزی او بگیرد و زندگیش را بر وی تباہ گرداند و او را به خودش واگذارد.

امام علی(ع) نیز در همین رابطه می فرمایند: "لَا دِينَ لِمُخْدَعٍ" (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۸۰): انسانهای نیرنگ پیشه، ایمان ندارند.

یکی از مصداقهای غش در معامله، کم فروشی است. در قرآن کریم سوره‌ای به همین نام هست که در اولین آیات آن با لحنی کوبنده، کم فروشان را مورد عتاب قرار داده است: "وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزِّنُوهُمْ يُخْسِرُونَ" (مطففین/ ۳ تا ۱): وای بر کم فروشان! آنان که وقتی برای خود وزن می‌کنند، حق خود را به طور کامل می‌گیرند و آن گاه که می‌خواهند برای دیگران وزن کنند، کم می‌گذارند.

کم فروشی مسئله‌ای تعمیم پذیر، و در هر صنف و هر عرصه فعالیتی ممکن است روی دهد. کم کاری و اهمال در مسئولیت و یا در برابر ارباب رجوع به منظور دستیابی به مقاصد خود از جمله مفاسد شایع اداری به شمار می‌رود.

۳- پیامدهای فساد اداری

پیامدهای فساد اداری با توجه به گستره آسیب‌رسانی آن می‌تواند در دو دسته جمعی و فردی جای گیرد. در ذیل ابتدا چهار مورد از پیامدهای عمومی و سپس دو مورد از پیامدهای فردی فساد، بیان خواهد شد:

۳- ۱ - پیامدهای عمومی

۳- ۱- ۱ - تضعیف نظام سیاسی

فساد اداری با سلب اعتماد مردم، مشروعیت سیاسی حکومتها را به مخاطره می‌اندازد (آژانس توسعه بین الملل آمریکا، ۲۰۰۰)؛ زیرا نظام اداری هر کشور، ابزار اجرای سیاستها و برنامه‌های حکومت به شمار می‌رود و بروز فساد گسترده در آن، علاوه بر جلوگیری از تحقق اهداف مورد نظر، نگرش مردم را نسبت به حکومت منفی می‌کند و در نهایت می‌تواند به بی‌اعتباری آن در میان عموم منجر شود. اعتصابها و شورشهای داخلی و بعضاً نیز فروپاشی نظام سیاسی هر کشور از نتایج طبیعی چنین وضعی خواهد بود. اهلاک و نابودی اقوام فاسد و ستمگر به دلیل رفتار منافی حق و عدالت آنها یکی از سنتهای حتمی الهی به شمار می‌رود: "وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ" (انبیاء/ ۱۱): و چه بسیار از شهرهایی که (اهلش) ستمکار بودند، درهم شکستیم و پس از آنان قومی دیگر پدید آوردیم. در آیات دیگری نیز به این سنت مهم اشاره شده است؛ از جمله در سوره هود، آیه ۱۰۲، سوره حج، آیات ۴۵ و ۴۸، سوره قصص، آیه ۵۹، سوره عنکبوت،

آیه ۳۱، سوره انفال، آیه ۵۴ و

روایات اسلامی نیز بر این حقیقت مهم صحه می‌گذارند: "مَنْ جَارَ فِي سُلْطَانِهِ وَ أَكْثَرَ عُدْوَانَهُ هَدَمَ اللَّهُ بُنْيَانَهُ وَ هَدَأَ أَرْكَانَهُ" (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۶۴۷): هر کس که در حکومت خویش ستم پیشه کند و دشمنانش زیاد گردند، خداوند، اساس و پایه‌های ملکش را ویران خواهد کرد. "مَنْ جَارَ، أَهْلَكَهُ جَوْرُهُ" (همان: ۵۸۲): هر کس که ستم روا دارد، ظلمش او را نابود خواهد نمود.

"قُلُوبُ الرِّعِيَّةِ خَزَائِنُ رَاعِيهَا فَمَا أَوْدَعَهَا مِنْ عَدْلٍ أَوْ جَوْرٍ وَجَدَهُ" (همان: ۵۰۵): دل‌های مردمان، گنجینه‌های حاکمانشان است؛ پس هر آنچه از عدل یا ظلم در آنها به ودیعه بگذارند، همان را می‌یابند.

سیره معصومین (ع) در مبارزه با جور حکام نیز دلیلی دیگر بر این امر است. امام حسین (ع)، هدف قیام خود را علیه حکومت فاسد یزید اینگونه بیان می‌کنند: "إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَ لَا بَطْرًا وَ لَا مُفْسِدًا وَ لَا ظَالِمًا إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَّتْ أَرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ" (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۴: ۳۲۹): انگیزه من از قیام، شرارت، خوشگذرانی، فساد و ستم نیست؛ بلکه هدف من از این حرکت، اصلاح امت جدم است. قصد من این است که به خوبیها و رواها فرمان دهم و از بدیها و نارواها باز دارم و به سیره جدم رسول خدا (ص) و پدرم علی بن ابی طالب (ع) رفتار کنم.

۳-۱-۲- تخریب سامانه اقتصادی

همان‌طور که قبلاً بیان شد برقراری عدالت، اصل اساسی و هدفی اولیه در تشکیل حکومت الهی به شمار می‌رود. برجسته‌ترین مصداق عدالت هم در عدالت اقتصادی نمود می‌یابد. منظور از عدالت اقتصادی در اسلام، این است که همه کسانی که توانایی و عزم بهره‌گیری از امکانات جامعه برای کار و تولید و هر نوع فعالیت اقتصادی دیگری دارند، بتوانند بدون هیچ‌گونه جلوگیری غیرقانونی و یا تبعیضی در راستای اهداف خود اقدام کنند؛ زیرا قرآن کریم تصریح می‌کند که منابع و امکانات زمین، آفریده خداوند و برای استفاده همگان قرار داده شده است: "وَ الْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ" (الرحمن/۱۰): و زمین را برای مردم نهاد. کلمه «أنام» به معنای مردم است و بعضی آن را به انس و جن و برخی دیگر به معنای هر جنبه‌ای تعبیر کرده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۰۳). در آیه ۲۹ سوره بقره نیز بر همین معنا تأکید می‌شود: "هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا": اوست آن

کسی که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفرید. علاوه بر این طبق، آموزه‌های قرآنی، انسانها به تناسب میزان تلاش و کوشش خود، می‌توانند منافع بیشتری از امکانات الهی به دست آورند و اصولاً عدالت در اسلام هم به همین معناست؛ یعنی اعطای حق به هر صاحب حقی. خداوند متعال به این اختلاف در روزی انسانها اشاره کرده است: "وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ" (نحل/۷۱): و خدا رزق بعضی از شما را بر بعضی دیگر فزونی داده است.

خداوند در آیه دیگر می‌فرماید: "أَهُمْ يُقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُلْحِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ" (زخرف/۳۲): آیا آنانند که رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟ ما (وسایل) معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم و برخی از آنان را از (نظر) درجات، بالاتر از بعضی (دیگر) قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی (دیگر) را در خدمت گیرند و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می‌اندوزند بهتر است.

از دیدگاه قرآن، منشأ این اختلاف به خود انسان برمی‌گردد: "وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى" (نجم/۳۹): و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست.

در نهایت نیز دین اسلام از طریق وضع احکامی همچون زکات، خمس، مالیات و دستورهایی همچون انفاق، صدقه و ... به ثروتمندان توصیه می‌کند که حقوق افرادی را بپردازد که توانایی فعالیت اقتصادی ندارند تا به این وسیله، ثروتهای همگانی به صورت انحصاری و تنها بین عده معدودی دست به دست نگردد. به این ترتیب، فقر و فاصله طبقاتی در جامعه و آسیبهای ناشی از آن کمتر می‌شود. خداوند متعال در همین رابطه می‌فرماید: "مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ" (حشر/۷): آنچه خدا از (دارایی) ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید از آن خدا و از آن پیامبر (او) و متعلق به خویشاوندان نزدیک (وی) و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است تا میان توانگران شما دست به دست نگردد.

بنابراین، عدالت اقتصادی در اسلام به معنای برابری در دسترسی به امکانات و زیرساختهای اقتصادی و نیز عدالت توزیعی متناسب با نوع و میزان فعالیت اقتصادی و در نهایت رسیدگی به اقشار آسیب‌پذیر و پر نمودن شکافهای طبقاتی است. با توجه به جایگاه ویژه دولت در سامانه اقتصادی، فساد اداری، می‌تواند در روند هر یک از انواع این عدالت، اختلال و مانع ایجاد کند.

امام علی (ع) به نقش حکومت و نظام اداری فاسد در تخریب بنیادهای اقتصاد جامعه این گونه اشاره می‌فرماید: "إِنَّمَا يُوتَى خَرَابُ الْأَرْضِ مِنْ إِعْوَازِ أَهْلِهَا وَ إِنَّمَا يُعَوَّرُ أَهْلُهَا لِإِشْرَافِ أَنْفُسِ الْوَلَاءِ عَلَى الْجَمْعِ وَ سُوءِ ظَنِّهِمْ بِالْبَقَاءِ وَ قَلَّةِ انْتِفَاعِهِمْ بِالْعَبْرِ" (نهج البلاغه، نامه ۵۳): همانا ویرانی زمین به دلیل تنگدستی مردم است و تنگدستی مردم به دلیل غارت اموال به دست زمامدارانی است که به آینده حکومتشان اعتماد ندارند و از تاریخ گذشتگان عبرت نمی‌گیرند؛ هم‌چنین فرموده‌اند: "أَفَةُ الْعُمَرَانِ جَوْرُ السُّلْطَانِ" (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۸۰): آفت آبادانی، ستم حکمرانان است؛ و در جای دیگر به ممانعتها و تبعیضهای اقتصادی دستگاه اداری اشاره می‌کنند و نسبت به آنها، هشدار می‌دهند:

"وَ قَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِي عَلَى الْفُرُوجِ وَ الدَّمَاءِ وَ الْمَعَانِمِ وَ الْأَحْكَامِ وَ إِمَامَهُ الْمُسْلِمِينَ الْبَخِيلُ فَتَكُونَ فِي أَمْوَالِهِمْ نَهْمَتُهُ... وَ لَا الْحَائِفُ لِلدُّوَلِ فَيَتَّخِذُ قَوْمًا دُونَ قَوْمٍ" (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱): همانا شما دانستید که سزاوار نیست بر ناموس و جان و غنیمت‌ها و احکام مسلمین، بخیل ولایت یابد و امامت مسلمین را عهده‌دار شود تا در اموال آنها حریص گردد... و نه کسی که در تقسیم بیت المال عدالت ندارد؛ زیرا در اموال و ثروت آنان، حیف و میل می‌کند و گروهی را بر گروه دیگر، مقدم می‌دارد.

۳- ۱- ۳- انحراف اخلاق جمعی

پژوهشگران اغلب، فرهنگ عمومی جامعه را مهمترین عامل بروز فساد می‌دانند (رفیع پور، ۱۳۸۷: ۲۶۴). به نظر می‌رسد که فرهنگ و فساد اداری از رابطه متقابل و دوسویه‌ای برخوردار است؛ به عبارت دیگر، همان‌طور که فرهنگ در ایجاد فساد اداری نقش اساسی دارد، تقاضای رفتار غیر قانونی همچون پرداخت رشوه از سوی کارکنان اداری نیز موجب آلوده شدن افراد جامعه و تضعیف و تخریب اخلاق و فرهنگ آن خواهد شد. ویژه‌خواری یکی دیگر از این مفاسد است که پیامدهای اخلاقی بدی در اجتماع دارد. امام علی (ع) در همین رابطه می‌فرماید: "الِاسْتِثْنَاءُ يُوْجِبُ الْحَسَدَ، وَالْحَسَدُ يُوْجِبُ الْبَغْضَةَ، وَالْبَغْضَةُ تُوْجِبُ الْإِخْتِلَافَ، وَالْإِخْتِلَافُ يُوْجِبُ الْفُرْقَةَ، وَالْفُرْقَةُ تُوْجِبُ الضَّعْفَ، وَالضَّعْفُ يُوْجِبُ الدَّلَّ، وَالدَّلُّ يُوْجِبُ زَوَالَ الدَّوْلَةِ وَذَهَابَ النِّعْمَةِ" (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۳۳۴): انحصارطلبی، حسادت می‌آورد و حسادت، دشمنی و دشمنی، اختلاف و اختلاف، پراکندگی و پراکندگی، ضعف و ضعف، زبونی و زبونی، زوال دولت و از میان رفتن نعمت.

آن حضرت هم‌چنین در بیانی رسا به پیامد اخلاقی و اجتماعی حکومت فاسد بنی امیه در جامعه اسلامی، این‌گونه اشاره می‌کنند: "فَعِنْدَ ذَلِكَ أَخَذَ الْبَاطِلُ مَا خِذَهُ وَ رَكِبَ الْجَهْلُ مَرَآكِبَهُ وَ عَظُمَتِ الطَّاعِيَةُ وَ قَلَّتِ الدَّاعِيَةُ وَ صَالَ الدَّهْرُ صِيَالِ السَّعِ الْعُقُورِ وَ هَدَرَ فَنَيْقُ الْبَاطِلِ بَعْدَ كُطُومِ وَ تَوَاحَى النَّاسُ عَلَى الْفُجُورِ وَ تَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ وَ تَحَابُّوا عَلَى الْكُذِبِ وَ تَبَاغَضُوا عَلَى الصِّدْقِ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ كَانَ الْوَالِدُ غِيظًا وَ الْمَطْرُ قِيظًا وَ تَفِيضُ اللَّئَامِ قِيضًا وَ تَغِيضُ الْكِرَامِ غِيضًا وَ كَانَ أَهْلُ ذَلِكَ الزَّمَانَ ذُنَابًا وَ سَلْطِينُهُ سِبَاعًا وَ أَوْسَاطُهُ أُكَّالًا (أَكَّالًا) وَ فُقْرَاؤُهُ أَمْوَاتًا وَ غَارَ الصِّدْقُ وَ فَاضَ الْكُذِبُ وَ اسْتَعْمَلَتِ الْمَوَدَّةُ بِاللِّسَانِ وَ تَشَاجَرَ النَّاسُ بِالْقُلُوبِ وَ صَارَ الْفُسُوقُ نَسَبًا وَ الْعَفَافُ عَجَبًا وَ لَبَسَ الْإِسْلَامُ لَبْسَ الْفُرُوقِ مَقْلُوبًا" (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸): پس در آن هنگام که امویان بر شما تسلط یابند، باطل بر جای خود استوار شود و جهل و نادانی بر مرکبها سوار، و طاغوت زمان عظمت یافته، دعوت کنندگان به حق اندک، و بی مشتری خواهند شد. روزگار چونان درنده خطرناکی حمله‌ور شده، باطل پس از مدتها سکوت، نعره می‌کشد؛ مردم در شکستن قوانین خدا دست در دست هم می‌گذارند و در جدا شدن از دین متحد می‌گردند و در دروغ پردازی با هم دوست و در راستگویی دشمن یکدیگرند. چون چنین روزگاری می‌رسد، فرزند با پدر دشمنی ورزد و باران خنک کننده، گرمی و سوزش آورد؛ پست فطرتان همه جا را پر می‌کنند؛ نیکان و بزرگواران کمیاب می‌شوند؛ مردم آن روزگار چون گرگان و پادشاهان چون درندگان؛ تهیدستان طعمه آنان و مستمندان چونان مردگان خواهند بود؛ راستی از میانشان رخت بر می‌بندد و دروغ فراوان می‌شود؛ با زبان، تظاهر به دوستی دارند اما در دل دشمن هستند؛ به گناه افتخار می‌کنند و از پاکدامنی به شگفت می‌آیند و اسلام را چون پوستینی واژگونه می‌پوشند.

۳- ۱- ۴- زمینه‌سازی سلطه بیگانگان

در موقعیتی که به دلیل فساد اداری، نظام سیاسی و شاکله اقتصادی جامعه تضعیف، و انحراف اخلاقی در عرصه اجتماعی ریشه دوانده است، احتمال طمع ورزی و سوء استفاده بیگانگان و دشمنان در جهت سلطه بر ملت، دور از ذهن نخواهد بود؛ به عنوان نمونه، واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهد که دولت انگلستان با استفاده از حربه فساد اداری، توانست حکومت عظیم عثمانی و برخی دیگر از کشورهای اسلامی را ناکارآمد کند و به زانو درآورد (هنله^۱، ۱۹۷۲: ۲۴۳، ۴۶، ۲۳). نفوذ و سلطه‌ای که آثار استعماری آن، تا کنون نیز پیامدهای جبران ناپذیری برای کشورهای منطقه به دنبال

داشته است؛ این در حالی است که قرآن کریم از فراهم سازی زمینه تسلط دشمنان بر مومنان نهی می کند و می فرماید: "وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا" (نساء/۱۴۱): و خداوند هیچ گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد کرد.

امام علی(ع) نگرانی خود را از شورش و هجوم امصار تحت تسلط حکومت اسلامی به دلیل فساد کارگزاران این ایالات و خطر جدی که مملکت اسلامی را تهدید می کرد، این گونه با مردم در میان می گذارند: "وَلَكِنِّي آسَى أَنْ يَلِيَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ سَفَهَاؤُهَا وَفُجَارُهَا فَيَتَّخِذُوا مَالَ اللَّهِ دُولًا وَ عِبَادَةَ خَوْلًا وَ الصَّالِحِينَ حَرْبًا وَ الْفَاسِقِينَ حِزْبًا فَإِنَّ مِنْهُمْ أَلْدَى قَدْ شَرِبَ فِيكُمْ الْحَرَامَ وَ جَلِدَ حَدًّا فِي الْإِسْلَامِ وَ إِنَّ مِنْهُمْ مَنْ لَمْ يُسَلِّمْ حَتَّى رُضِخَتْ لَهُ عَلَى الْإِسْلَامِ الرِّضَائِخُ... أَلَا تَرَوْنَ إِلَى أَطْرَافِكُمْ قَدْ انْتَفَصَتْ وَ إِلَى أَمْصَارِكُمْ قَدْ افْتَتِحَتْ وَ إِلَى مَمَالِكِكُمْ تُزَوَّى وَ إِلَى بِلَادِكُمْ تُغْزَى" (نهج البلاغه، نامه ۶۲): لکن از این اندوهناکم که بی خردان و تبهکاران این امت، حکومت را به دست آورند، آن گاه مال خدا را دست به دست بگردانند و بندگان او را به بردگی کشند با نیکوکاران در جنگ، و با فاسقان همراه باشند؛ زیرا از آنان کسی در میان شماست که شراب نوشید و حد بر او جاری شد و کسی که اسلام را نپذیرفت اما بناحق بخشش هایی به او عطا گردید... آیا نمی بینید که مرزهای شما را تصرف کردند و شهرها را گشودند و دستاوردهای شما را غارت کردند و در میان شهرهای شما آتش جنگ را بر افروختند.

۳-۲- پیامدهای فردی

۳-۲-۱- کیفر قضایی

از جمله مهمترین بازدارنده ها و کنترل کننده های رفتارهای غیر قانونی شهروندان، برخوردهای مناسب و بموقع دستگاه قضایی جامعه است. هر فردی که در سامانه اداری، تصمیم به عمل خلاف قانون بگیرد، می باید منتظر پیامد آن نیز باشد. برخی از این رفتارها در قالب تخلف اداری جای می گیرد که در همان سامانه اداری، تذکرات، جبران خسارات و تنبیهات متناسب در نظر گرفته خواهد شد. برخی دیگر از رفتار خلاف نیز به مراکز قضایی ارجاع داده می شود و در آنجا مورد بررسی و پیگیری قرار می گیرد. پیدایش سوء سابقه، پرداخت غرامت مالی، طردشدگی اجتماعی، حبس و حتی مجازات مرگ از جمله پیامدهای سنگین دادرسی قضایی است که می تواند دامنگیر مفسد اداری شود؛ به عنوان نمونه، می توان به مجازات یک نیروی اطلاعاتی متخلف، در دوران حکومت امام علی(ع) اشاره کرد که آن حضرت در این باره به حاکم اهواز چنین نوشتند: "إِذَا

قَرَأَتْ كِتَابِي فَنَحَّ ابْنَ هَرَمَةَ عَنِ السُّوقِ ، وَأَوْقَفَهُ لِلنَّاسِ ، وَأَسَجَّنَهُ وَنَادَى عَلَيْهِ ، وَكَتَبَ إِلَى أَهْلِ عَمَلِكِ تَعْلِمَهُمْ رَأْيِي فِيهِ ، وَلَا تَأْخُذْكَ فِيهِ عَفْلَةٌ وَلَا تَفْرِيطٌ ، فَتَهْلِكَ عِنْدَ اللَّهِ ، وَأَعَزِّلْكَ أَخْبَثَ عَزْلَةٍ ، وَأَعِيدْكَ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ. فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرَجَهُ مِنَ السُّجْنِ ، وَأَضْرِبُهُ خَمْسَةَ وَثَلَاثِينَ سَوْطًا ، وَطُفَّ بِهِ إِلَى الْأَسْوَاقِ ، فَمَنْ أَتَى عَلَيْهِ بِشَاهِدٍ فَحَلَفَهُ مَعَ شَاهِدِهِ ، وَادْفَعْ إِلَيْهِ مِنْ مَكْسَبِهِ مَا شَهِدَ بِهِ عَلَيْهِ ، وَمُرَّ بِهِ إِلَى السُّجْنِ مُهَانًا مَقْبُوحًا مَنُوحًا ، وَأَحْزَمِ رِجْلَيْهِ بِحِزَامٍ ، وَأَخْرِجْهُ وَقْتَ الصَّلَاةِ ، وَلَا تَحُلْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَنْ يَأْتِيهِ بِمَطْعَمٍ أَوْ مَشْرَبٍ أَوْ مَلْبَسٍ أَوْ مَفْرَشٍ ، وَلَا تَدَعْ أَحَدًا يَدْخُلُ إِلَيْهِ مِمَّنْ يُلْقِنُهُ اللَّدْدَ وَبُرْجِيَةَ الْخُلُوصِ. فَإِنْ صَحَّ عِنْدَكَ أَنَّ أَحَدًا لَقَّنَهُ مَا يَضُرُّ بِهِ مُسْلِمًا ، فَأَضْرِبْهُ بِالذَّرَّةِ ، فَاحْبِسْهُ حَتَّى يَتُوبَ ، وَمُرَّ بِإِخْرَاجِ أَهْلِ السُّجْنِ فِي اللَّيْلِ إِلَى صَحْنِ السُّجْنِ لِيَتَفَرَّجُوا غَيْرَ ابْنِ هَرَمَةَ إِلَّا أَنْ تَخَافَ مَوْتَهُ فَتُخْرِجْهُ مَعَ أَهْلِ السُّجْنِ إِلَى الصَّحْنِ ، فَإِنْ رَأَيْتَ بِهِ طَاقَةً أَوْ اسْتَطَاعَةً فَأَضْرِبْهُ بَعْدَ ثَلَاثِينَ يَوْمًا خَمْسَةَ وَثَلَاثِينَ سَوْطًا بَعْدَ الْخَمْسَةِ وَالثَّلَاثِينَ الْأُولَى ، وَكَتَبَ إِلَيَّ بِمَا فَعَلْتَ فِي السُّوقِ ، وَمَنْ اخْتَرْتَ بَعْدَ الْخَائِنِ ، وَاقْطَعْ عَنِ الْخَائِنِ رِزْقَهُ" (نعمان بن محمد، ۱۳۸۵ : ۵۳۲): هنگامی که نامه‌ام را خواندی، ابن هرمه را از بازار برکنار کن و او را به خاطر (حقوق) مردم از کار، باز دار و سپس زندانی نما و خبر آن را اعلان عمومی کن و به کارگزارانت بنویس و نظرم را به آنان ابلاغ نما. درباره ابن هرمه، غفلت یا کوتاهی نکنی که نزد خداوند، هلاک شوی و من هم به بدترین شیوه برکنارت خواهم کرد که از این کار، تو را به خدا پناه می‌دهم. هنگامی که جمعه شد، او را از زندان بیرون آر و ۳۵ تازیانه بر او بزن و در بازارها بچرخان. اگر کسی از او شکایت کرد و شاهد آورد، او را به همراه شاهدش سوگند ده و از درآمد ابن هرمه، طلبی را که شاهد آورده است به او بپرداز. فرمان ده تا او را با خواری و زشتی و فریاد کشیدن بر سرش به زندان ببرند؛ با طنابی پاهایش را ببند و وقت نماز او را بیرون آور. اگر کسی برایش غذا، آشامیدنی، لباس و زیر اندازی آورد، مانع مشو. مگذار کسی بر او وارد شود تا به او چاره‌ای تلقین کند یا به آزادی امیدوارش سازد. اگر برایت روشن شد که کسی مطلبی را به او القا کرده است که به مسلمانی زیان می‌رساند، او را با تازیانه تأدیپ نما و زندانی کن تا توبه نماید و دستور بده که شبها زندانیان را برای هواخوری به حیاط زندان بیاورند؛ جز ابن هرمه را، مگر اینکه ترس از تلف شدنش داشته باشی که او را نیز شبها همراه با زندانیان به حیاط زندان بیاور. اگر در او طاقت و توان دیدی، پس از سی روز، ۳۵ تازیانه دیگر، افزون بر ۳۵ تازیانه قبلی بر او بزن. برای من گزارش کارت را در بازار بنویس و اینکه چه کسی را پس از آن خائن برگزیدی. حقوق ابن هرمه خائن را هم قطع کن.

نمونه‌های دیگری از انواع مجازات قضایی در نامه‌های ۲۶، ۴۳، ۷۱، ۵۳ نهج البلاغه و نیز در کتاب دعائم الاسلام، ج ۱: ۳۹۶، و کتاب بحارالانوار، ج ۴۱: ۱۱۹، قابل ملاحظه است.

۳- ۲- ۲- عقوبت اخروی

در جامعه و دولت اسلامی، فساد اداری به منزله گذار از اخلاق، تعدی از حدود شرعی، ضایع نمودن حق الناس و جلوگیری از تحقق حکومت عدل الهی است که خداوند متعال پیامبران خود را یکی پس از دیگری به منظور استقرار آن، مبعوث نموده است. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که به دلیل حساسیت و ذو ابعاد بودن این مسئله، پیامدهای اخروی آن نیز بسی گسترده و سنگین باشد. علی(ع) از پیامبر اکرم(ص) سؤال فرمود: "يَا رَسُولَ اللَّهِ بَأْبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ مَا مَنَزِلُهُ إِمَامٍ جَائِرٍ مُّغْتَدٍ لَمْ يَصْلُحْ لِرِعِيَّتِهِ وَ لَمْ يَقُمْ فِيهِمْ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى: ای رسول خدا(ص) پدر و مادرم به فدای شما، جایگاه پیشوای ستمگر متجاوزی که برای مردمش اصلاح نمی‌کند و دستور خداوند را در میان آنها به اجرا در نمی‌آورد، چیست؟ حضرت پاسخ دادند: قَالَ هُوَ رَابِعُ أَرْبَعَةٍ مِنْ أَشَدِّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِبْلِيسَ وَ فِرْعَوْنَ وَ قَاتِلَ النَّفْسِ وَ رَابِعُهُمْ سُلْطَانُ جَائِرٍ" (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۲۸۷): او چهارمین از چهار تنی است که شدیدترین عذاب را در میان مردم در روز قیامت خواهند داشت: ابلیس، فرعون، قاتل نفس و چهارمین آنها حاکم ظالم است. پرورده رسول(ص) نیز در نامه به یکی از فرمانداران خود، سنگینی محاسبه و عذاب اخروی ناشی از خیانت را در مسئولیت اداری چنین یادآور می‌شوند: "أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ بَلَّغْنِي عَنْكَ أَمْرٌ إِنْ كُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ أَسْخَطْتَ رَبِّكَ وَ عَصَيْتَ إِمَامَكَ وَ أَخْرَيْتَ أَمَانَتَكَ بَلَّغْنِي أَنَّكَ جَرَّدْتَ الْأَرْضَ فَأَخَذْتَ مَا تَحْتَ قَدَمَيْكَ وَ أَكَلْتَ مَا تَحْتَ يَدَيْكَ فَارْفَعْ إِلَيَّ حِسَابَكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ حِسَابَ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ حِسَابِ النَّاسِ" (نهج البلاغه، نامه ۴۰): بعد از درود خداوند، درباره تو به من جریانی گزارش شده است که اگر انجام داده باشی، پروردگارت را به خشم آورده‌ای؛ امامت را عصیان کرده‌ای و امانت (فرمانداری) خود را به رسوایی کشیده‌ای. به من خبر رسیده است که تو زمینهای آباد را ویران کرده‌ای و آنچه توانسته‌ای تصاحب نموده‌ای و از بیت المال که زیر دستت بوده است به خیانت خورده‌ای. فوراً حساب خویش را برایم بفرست و بدان که حساب خداوند از حساب مردم سخت‌تر است.

قریب به چنین مضمونی را در نامه‌های ۲۶ و ۵۳ آن حضرت در نهج البلاغه می‌توان ملاحظه

کرد.

۴ - راهکارهای مقابله با فساد اداری

برخی از پژوهشگران، فساد اداری را «سرطان اجتماعی» نامیده‌اند (رفیع پور، ۱۳۸۸)؛ لذا در این بخش با تتبع در آیات و روایات به دنبال راه‌های درمان و به عبارت دیگر، راهکارهای مبارزه با فساد اداری هستیم. برخی از این راهکارها جنبه درمانی و کنترلی و برخی دیگر، جنبه پیشگیرانه دارد. در ذیل به چهار راهکار اساسی اشاره خواهد شد.

۴ - ۱ - راهکارهای سازمانی

منظور از راهکارهای سازمانی، اقدامات و تمهیداتی است که در ساختار اداری صورت می‌پذیرد و در ارتباط مستقیم با مسئله فساد قرار می‌گیرد.

۴ - ۱ - ۱ - برکناری عناصر فاسد

وقتی فساد اداری در همه ابعاد ریشه دواند و فراگیر شد، برخی از دولت‌ها برای ریشه کن سازی فساد به محاکمه و اخراج گروهی کارمندان دولت متوسل می‌شوند. از آنجا که وجود نظام اداری مطلوب یکی از ارکان اساسی قدرت سیاسی دولت است، پاکسازیهای دسته جمعی در ادارات اغلب بعد از جابه جایی قدرت از یک گروه به گروه دیگر اتفاق می‌افتد (لطیفیان، ۱۳۸۶)؛ از جمله این نوع برکناریها و پاکسازیها می‌توان به اقدامات امام علی (ع) پس از به دست گرفتن حکومت اسلامی در برکناری کارگزاران فاسد دوران خلیفه سوم اشاره کرد. دلیل این امر را از بیان مبارک حضرت می‌توان دریافت: "دولة الأوغاد مبنیة علی الجور و الفساد" (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۶۷): حکومت انسانهای کم عقل و پست فطرت بر اساس ستم و فساد بنا شده است.

آن حضرت (ع) در کلامی مشابه می‌فرمایند: "تَوَلَّى الْأَرَاذِلُ وَالْأَحْدَاثُ الدُّوَلِ دَلِيلٌ إِنْجِلَالُهَا وَ إِدْبَارُهَا" (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۴۵): حکومت یافتن اشخاص ناکس و تازه به دوران رسیده، نشانه از بین رفتن و عقب گرد آن دولت است؛ به همین دلیل در فرمان خود به مالک اشتر بر لزوم برکناری عناصر فاسد حکومت پیشین، تأکید می‌نمایند: "إِنَّ شَرَّ وُزَرَائِكَ مَنْ كَانَ لِلْأَشْرَارِ قَبْلَكَ وَرِيّاً وَ مَنْ شَرِكَهُمْ فِي الْأَثَامِ فَلَا يَكُونَنَّ لَكَ بَطَانَةً فَإِنَّهُمْ أَعْوَانُ الْأَثْمَةِ وَ إِخْوَانُ الظُّلْمَةِ وَ أَنْتَ وَاجِدٌ مِنْهُمْ خَيْرَ الْخَلْفِ مِمَّنْ لَهُ مِثْلُ آرَائِهِمْ وَ نَفَاذِهِمْ وَ كَيْسَ عَلَيْهِ مِثْلُ آصَارِهِمْ وَ أَوْزَارِهِمْ وَ آثَامِهِ" (نهج البلاغه، نامه ۵۳): بدترین وزیر تو کسی است که پیش از تو وزیر بدکاران بوده و در گناهان آنان شرکت داشته است؛ پس مبدا چنین افرادی محرم راز تو باشند؛ زیرا یاور گنهکاران و همسان ستمکاران هستند در حالی که تو برای آنها جایگزینان بهتری داری که افکار و آرا و نفوذ آنان را

دارند، ولی بار گناهان و مشکلاتشان را بر دوش ندارند.

۴-۱-۲- دقت در گزینش کارگزاران

پس از پاکسازی جمعی عناصر فاسد قلبی، نوبت به گزینش و به کارگیری نیروهای متعهد و متخصص به جای افراد سابق می‌رسد. به طور کلی فساد استخدامی که بر اساس روابط صورت می‌گیرد نه ضوابط، یکی از دلایل مهم فساد اداری به شمار می‌رود. خداوند متعال در خصوص واگذاری مسئولیتها و از آن جمله مسئولیت خطیر اداره شئون مملکت اسلامی به افراد شایسته می‌فرماید: "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا" (نساء/ ۵۸): خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آنها رد کنید.

این آیه و ذیل آن، که در ارتباط با داوری به قسط است و هم‌چنین قرار گرفتن در کنار آیه اولوالامر، جمعاً نشان‌دهنده این است که منظور از امانت در اینجا تنها معنای عام آن نیست بلکه امانت رهبری و اداره جامعه اسلامی است. امام(ع) نیز در عهد نامه خود به مالک اشتر، ضوابط و شیوه گزینش عاملان حکومت را این گونه بیان می‌کنند: "ثُمَّ أَنْظِرْ فِي أُمُورِ عُمَّالِكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِبَارًا وَلَا تُؤَلِّهِمْ مُحَابَاةً وَ أَثَرَةً فَإِنَّهُمَا جِمَاعٌ مِنْ شُعْبِ الْجَوْرِ وَ الْخِيَانَةِ وَ تَوْخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجْرِبَةِ وَ الْحَيَاءِ مِنْ أَهْلِ الْبَيِّنَاتِ الصَّالِحَةِ وَ الْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمُتَقَدِّمَةِ فَإِنَّهُمْ أَكْرَمُ أَخْلَاقًا وَ أَصَحُّ أَعْرَاضًا وَ أَقَلُّ فِي الْمَطَامِعِ إِشْرَاقًا وَ أَتْلَعُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ نَظْرًا" (نهج البلاغه، نامه ۵۳): سپس در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش به کارشان بگمار و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران، آنان را به کارهای مختلف وادار نکن؛ زیرا نوعی ستمگری و خیانت در امانت است. کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و با حیا از خاندانی پاکیزه و با تقوا انتخاب کن که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند؛ زیرا اخلاق آنان گرامی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر و طمع ورزیشان کمتر و آینده‌نگری آنان بیشتر است....

۴-۱-۳- حفظ شئون کارکنان و ارتقای منزلت آنان

اصولاً انسان از کرامت ذاتی برخوردار است و این کرامت را خداوند متعال به وی عنایت فرموده است: "وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ" (اسراء/ ۷۰): و براستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکبها) برنشانیدیم. "قرآن کریم دلایل متعددی را در خصوص عزت و کرامت انسان مطرح می‌کند که محور تمام این دلایل چگونگی آفرینش انسان است. در نظر قرآن، انسان در بهترین (تین/ ۴) و زیباترین (تغابن/ ۳) صورت و با

خلقتی کامل (اعراف / ۱۱) و معتدل (حجر / ۲۹) آراسته شده و به همین دلیل شایستگی پذیرش نفع الهی (سجده / ۹) را یافته است" (کوشکی، ۱۳۸۹: ۱۰۲). علاوه بر این انسانها همگی در آفرینش و طبیعت، یکسان هستند: "الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً" (نساء / ۱): (کسی) که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را (نیز) از او آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد؛ به همین دلیل در مناسبات اجتماعی و بویژه در محیط کار اداری، مراعات احترام و شرافت انسانها ضروری است. امام علی (ع) در ارتباط با همین مسئله به مالک اشتر توصیه می‌کنند که: "وَ أَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ يَفْرُطُ مِنْهُمْ الزَّلْلُ وَ تَعْرِضُ لَهُمُ الْعِلْلُ وَ يُؤْتِي عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمْدِ وَ الْخَطَا فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَ تَرْضَى أَنْ يُعْطِيكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ فَإِنَّكَ فَوْقَهُمْ وَ الْوَالِي الْأَمْرِ عَلَيْكَ فَوْقَكَ وَ اللَّهُ فَوْقَ مَنْ وَّلَاكَ وَ قَدْ اسْتَكْفَاكَ أَمْرُهُمْ وَ ابْتَلَاكَ بِهِمْ" (نهج البلاغه، نامه ۵۳): مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز چنان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش هستند. اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر؛ آن‌گونه که دوست داری خدا تو را ببخشد و بر تو آسان گیرد. همانا تو از آنان برتر، و امام تو از تو برتر، و خدا بر آن کس که تو را فرمانداری مصر داد والاتر است که کارهای مردم مصر را به تو واگذارده و آنان را وسیله آزمودن تو قرار داده است.

بنابراین توجه به منزلت و شأن انسانی در درون قوانین اداری و ترویج فرهنگ فروتنی و احترام در مناسبات رسمی مدیران با کارکنان و تقویت احساس برابری، تعلق به سازمان، خودباوری، توانایی رشد و پیشرفت و... می‌تواند موجب رضایت شغلی و امنیت خاطر شود و راه را بر اقدامات انتقام‌جویانه ببندد که اغلب همراه با قانون‌گریزی و هنجار شکنی و به عبارت دیگر فسادآمیز است.

۴-۱-۴ - برقراری نظام تشویق و تنبیه مناسب

در هر سازمانی معمولاً دو دسته از کارکنان هستند: کارکنان فعال و متعهد که با تمام توان خود در جهت دستیابی به اهداف سازمان تلاش می‌کنند و دسته دیگر، کارکنان سهل‌انگار و بی‌مسئولیت که با کوتاهی در وظایف خود، حقوق مردم، مراجعان و سازمان را تضییع می‌کنند. یکی از راه‌های

کنترل و ایجاد انگیزه در این گروه‌ها، استفاده از تشویق و تنبیه مناسب است. استفاده از چنین روشی برای هدایت انسانها در مسیر انسانیت و بندگی از جمله شیوه‌های تربیتی قرآن کریم است. از مجموع آیات قرآن کریم، حدود سیصد آیه به تشویق و ششصد آیه به عامل تنبیه مربوط است (نادری قمی، ۱۳۷۸: ۱۵۸)؛ به عنوان نمونه، قرآن کریم برای تشویق به ایمان و عمل صالح فرموده است: "وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ" (بقره/ ۲۵): و کسانی را که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، مژده ده که ایشان را باغهایی خواهد بود که از زیر (درختان) آنها جویها روان است. و یا برای تنبیه محاربان و مفسدان می‌فرماید: "إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ" (مائده/ ۳۳): سزای کسانی که با (دوستداران) خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند؛ این، رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.

به کارگیری این شیوه هدایتی در حوزه اداری را در نامه امام علی (ع) به مالک اشتر بخوبی می‌توان ملاحظه کرد: "وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَرْهِيدًا لِلأَهْلِ الأِحْسَانِ فِي الأِحْسَانِ وَتَدْرِيْبًا لِلأَهْلِ الأِسَاءَةِ عَلَى الأِسَاءَةِ وَالأَزْمُ كُلُّهُ مِنْهُمْ مَا الأَزْمُ نَفْسَهُ" (نهج البلاغه، نامه ۵۳): هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند؛ زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق می‌گردند؛ پس هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده.

در بخش دیگری از همان نامه می‌فرماید: "وَواصِلْ فِي حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ وَتَعْدِيدِ مَا أَبْلَى ذُووُ الأَبْلَاءِ مِنْهُمْ فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ لِحُسْنِ أفعالِهِمْ تَهْزُ الشُّجَاعَ وَتُحَرِّصُ النَّاكِلَ" (نهج البلاغه، نامه ۵۳): و پیوسته آنان را به خوبی یاد و از آنان تشکر کن و کارهای سخت و مهم آنان را برشمار؛ زیرا تکرار سپاس و تشکر از کارهای خوب آنان، افراد دلیر و شجاع را تهییج و افراد بی حال را تشویق می‌کند.

فضیلت و برتری تشویق بر تنبیه از دیگر نکاتی است که باید به آن توجه کرد. حضرت علی (ع) در این رابطه فرموده است: "أزجرِ المُسِيءَ بِتَوَابِ المُحْسِنِ" (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۷): بدکار را

(در درجه اول) با پاداش دادن به نیکوکار، آزار ده!

۴- ۱- ۵- نظارت و بازرسی

از آنجا که اصل نظارت و کنترل به عنوان مانع قوی بروز فساد عمل، و ارزیابی عملکرد را نیز آسان می‌کند در فرهنگ اسلامی از جایگاه و اهمیت بسیاری برخوردار است. نظارت خداوند (آل عمران / ۹۸)، فرشتگان (انفطار / ۱۲ تا ۱۰)، پیامبران (نساء / ۴۱) و... بر رفتار انسان و شهادت آنان در روز قیامت، از این قبیل است. از مصداقهای نظارت و کنترل بر کار زبردستان، می‌توان به جریان غیبت هدهد و جویا شدن حضرت سلیمان(ع) از علت غیبت وی، اشاره کرد: "وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ لَأُعَذِّبُنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحُنَّهُ أَوْ لَأَأْتِيُنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ" (نمل / ۲۱ و ۲۰): و جویای (حال) پرندگان شد و گفت مرا چه شده است که هدهد را نمی‌بینم یا شاید از غایبان است. قطعاً او را به عذابی سخت عذاب می‌کنم یا سرش را می‌برم مگر اینکه دلیلی روشن برای من بیاورد. سیره عملی رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین(ع) در نظارت مستقیم بر بازار مسلمین نیز گواهِ اهمیت اجرای این مسئله است (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۶۱).

حضرت علی(ع) به فرماندار خود سفارش می‌کند که "ثُمَّ تَفَقَّدَ أَعْمَالَهُمْ وَابْعَثِ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لَأُمُورِهِمْ حَدْوَةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرِّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ. وَتَحَقُّظُ مِنَ الْأَعْوَانِ فَإِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عِيُونِكَ اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا قَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ وَآخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَدْلَةِ وَوَسَمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ وَقَلَدْتَهُ عَارَ التُّهْمَةِ" (نهج البلاغه، نامه ۵۳): سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفا پیشه بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانتداری و مهربانی با رعیت خواهد بود و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان به خیانت دست زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد به همین مقدار گواهی قناعت کن و او را با تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او باز پس گیر؛ سپس او را خوار دار و خیانتکار بشمار و طوق بدنامی به گردنش بیفکن.

استفاده از عبارتهایی نظیر بَلَّغْنِي عَنْكَ در مکاتبات حضرت(ع) با کارگزاران خود در نواحی مختلف (نهج البلاغه، نامه‌های ۷۱، ۴۰، ۴۳، ۶۳) نیز بیانگر این است که ایشان عده‌ای را به عنوان مأمور مخفی، مسئول نظارت و گزارش رفتار کارگزاران، قرار داده بودند.

۴ - ۲ - برقراری عدالت اقتصادی

کارمندان دولت، عمدتاً عرضه‌کننده خدمات به مردم، سازمانها و سایر نهادهای دولتی هستند. از این رو به‌طور مستقیم در تولید اقتصادی نقشی ندارند و حقوق بگیر دولت به‌شمار می‌روند. به همین دلیل، عدالتی که در ارتباط با آنان باید صورت بگیرد، عدالت در توزیع درآمدها بر حسب شایستگی‌هایشان است. رعایت عدالت در توزیع درآمدها، انگیزه‌های ارتکاب فساد را کاهش می‌دهد و سلامت و کارایی سازمان را افزایش خواهد داد. اعطای پاداش و جزای متناسب با استحقاق و شایستگی افراد از سنتهای قطعی الهی به‌شمار می‌رود: "أَنْتَى لَا أُضِيعُ عَمَلٌ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ" (آل عمران/ ۱۹۵): من عمل هیچ صاحب عملی از شما را از مرد یا زن، که همه از یکدیگرید، تباہ نمی‌کنم.

امام علی(ع) در فرمان حکومتی خود به مالک اشتر، درباره رعایت حقوق کارگزاران نظامی متناسب با شایستگی‌های آنان چنین سفارش می‌کند: "ثُمَّ اعْرِفْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا أُبْلِيَ وَ لَا تَضْمَنْ بَلَاءَ امْرِئٍ إِلَى غَيْرِهِ وَ لَا تُقْصِرَنَّ بِهِ دُونَ غَايَةِ بَلَاءِهِ وَ لَا يَدْخُوكَ شَرَفُ امْرِئٍ إِلَى أَنْ تُعْظِمَ مِنْ بَلَاءِهِ مَا كَانَ صَغِيرًا وَ لَا ضَعْفُ امْرِئٍ إِلَى أَنْ تَسْتَصْغِرَ مِنْ بَلَاءِهِ مَا كَانَ عَظِيمًا" (نهج البلاغه، نامه ۵۳): و در یک ارزشیابی دقیق، رنج و زحمات هر یک از آنان را شناسایی کن و هرگز تلاش و رنج کسی را به حساب دیگری نگذار و ارزش خدمت او را ناچیز مشمار تا شرافت و بزرگی کسی موجب نشود که کار کوچکش را بزرگ شماری یا گمنامی کسی باعث شود که کار بزرگ او را ناچیز بدانی.

علاوه بر عدالت در توزیع درآمدها میان کارکنان دولت، عدالت در توزیع امکانات و لوازم تولید، عرضه تسهیلات و فراهم نمودن بسترهای رشد و توسعه اقتصادی برای همه افراد و گروه‌های متقاضی عرصه کار و تلاش، و نیز عدالت در امور مالیاتی و مراعات حال خراج دهندگان، تقاضا برای فساد اداری از سوی مردم و نهادهای تولیدکننده را کاهش خواهد داد. قرآن کریم در باب آزادی و عدالت در بهره‌مندی از نعمتهای الهی و نفی هرگونه استثنا و تحریم امکانات الهی می‌فرماید: "قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ" (اعراف/ ۳۲): (ای پیامبر) بگو زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده، و (نیز) روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده است.

در مورد عدالت در گرفتن مالیات نیز می‌توان به کلام امیرمؤمنان علی(ع) استناد کرد: "وَلْيَكُنْ

نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أْبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِحْلَابِ الْخَرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَ مَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بِغَيْرِ عِمَارَةٍ أَخْرَبَ الْبِلَادَ وَ أَهْلَكَ الْعِبَادَ وَ لَمْ يَسْتَقِمْ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا فَإِنْ شَكُوا ثِقَلًا أَوْ عَلَةً أَوْ انْقِطَاعَ شَرِبٍ أَوْ بَالَهُ أَوْ إِحَالَهَ أَرْضٍ اعْتَمَرَهَا عَرَقٌ أَوْ أَجْحَفَ بِهَا عَطَشٌ خَفَّتْ عَنْهُمْ بِمَا تَرَجُّو أَنْ يَصْلُحَ بِهِ أَمْرُهُمْ" (نهج البلاغه، نامه ۵۳): باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌شود و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود می‌کند و حکومتش جز اندکی دوام نیاورد؛ پس اگر مردم شکایت کردند از سنگینی مالیات یا آفت زدگی یا خشک شدن آب چشمه‌ها یا کمی باران یا خراب شدن زمین در سیلابها یا خشکسالی، در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد....

۴ - ۳ - راهکارهای فرهنگی

منظور از راهکارهای فرهنگی مجموعه اقداماتی است که در راستای بهسازی و بازآفرینی اخلاق فردی و نیز مناسبات اجتماعی، باید صورت پذیرد. به فراخور بحث به سه فرایند مهم در این زمینه اشاره می‌شود:

۴ - ۳ - ۱ - ضرورت خودسازی

اصولاً اخلاق در افراد وظیفه کنترل درونی را ایفا می‌کند که از آن به خود کنترلی یا تعهد درونی نیز تعبیر می‌شود. از این رو تقویت پروای الهی، ضامن اجرای اخلاق و کنترل درونی نیرومندی در این زمینه به شمار می‌رود. امام حسن مجتبی (ع) شیوه صحیح دستیابی به نیازهای انسانی را، که گاهی افراد را به سوی رفتار خلاف قانون و شرع می‌کشاند در توجه به مبدأ و مقصد حقیقی این نیازها یعنی خداوند متعال، و در سایه تقوا می‌داند و می‌فرماید:

وَ إِذَا أَرَدْتَ عِزًّا بَلَا عَشِيرَةٍ وَ هَيْبَةً بِلَا سُلْطَانٍ فَأَخْرُجْ مِنْ ذُلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۸۵): اگر می‌خواهی بدون داشتن عشیره و طایفه، عزت و احترام داشته باشی و بدون برخوردارگی از سلطنت و مقام، هیبت و شکوه داشته باشی از ذلت معصیت خدا خارج شو و به سوی عزت الهی حرکت کن.

در آیات فراوانی نیز به بازدارنده‌های درونی فساد، اشاره شده است؛ از جمله آیات مربوط به صبر و بردباری در برابر کمبودها (بقره/ ۱۵۵)، تواضع و فروتنی به جای تفاخر و استکبار (شعرا/ ۲۱۵)، قناعت و اقتصاد و پرهیز از دنیاگرایی به جای تکاثر، اتراف و اسراف (طه/ ۱۳۱؛ حدید/ ۲۰)

و الزام به توحید و معاد و لوازم آن در رویارویی با لاقیدی و تجاوز از حدود الهی (مطففین/ ۱۲ و ۱۱ و نساء/ ۱۴).

۴-۳-۲- ترویج امر به معروف و نهی از منکر

نظارت اجتماعی یکی از مهمترین و کم هزینه ترین راه‌های مقابله با فساد به شمار می‌رود. نظارت اجتماعی در اسلام با عنوان امر به معروف و نهی از منکر شناخته می‌شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: "وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ" (آل عمران/ ۱۰۴): و باید از میان شما، گروهی (مردم را) به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند.

امام باقر(ع) در حدیثی، ثمرات و کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه برمی‌شمارند و می‌فرمایند: "إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ، وَمِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ، فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ، وَتَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ، وَتَجَلُّ الْمَكَاسِبُ، وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ، وَتَعْمُرُ الْأَرْضُ، وَيُنْصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ، وَيَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ" (کلینی، ۱۳۶۵: ۵۶): امر به معروف و نهی از منکر، راه و روش پیامبران و شیوه صالحان، و فریضه بزرگی است که دیگر فرایض به واسطه آن بر پا می‌شود؛ راه‌ها امن، و درآمدها حلال می‌شود و حقوق پایمال شده به صاحبانش برمی‌گردد؛ زمین آباد می‌شود و (بدون ظلم) حق از دشمنان گرفته می‌شود و کارها سامان می‌پذیرد.

۴-۳-۳- اطلاع رسانی عمومی

اطلاع رسانی عمومی، به هزینه حیثیتی وسیعتری برای مجرمان، و نیز عامل فشار نیرومندی بر دولتها و دستگاه‌های نظارتی و قضایی برای رسیدگی دقیق و برخورد قاطع با مفسدان منجر خواهد شد؛ لذا سامانه اطلاع رسانی عمومی مستقل و آزاد، که در کوتاهترین زمان، دقیقترین اخبار را به آگاهی عموم برساند به منظور افشای مفاسد اداری، ضروری به نظر می‌رسد. بایسته است که حمایت‌های لازم از این صنف اجتماعی به عمل آید تا بتواند نقش خود را در این راستا بخوبی ایفا کند و خود گرفتار فساد نشود. اسلام برای اطلاع رسانی عمومی، اهمیت ویژه‌ای قائل است. امام علی(ع) در دوران کوتاه حکومت خود، همواره در بیداری افکار عمومی و آگاه سازی مردم بسیار تلاش کردند. آن حضرت هم نامه‌های بیدار کننده برای آنان می‌فرستاد و هم شخصیت‌های خوشنام و معروف را به سوی آنان اعزام می‌کرد تا با سخنرانی‌های حساب شده، مردم را از فتنه‌های سیاسی آگاه سازند. ایشان در نامه ای برای مردم کوفه نوشت: "فَإِنِّي أُخْبِرُكُمْ عَنْ أَمْرِ عُثْمَانَ حَتَّىٰ"

يَكُونُ سَمْعُهُ كَعِيَانِهِ" (نهج البلاغه، نامه ۱): همانا من شما را در این نامه به گونه‌ای از ماجرای عثمان آگاه می‌سازم که شنیدن همانند دیدن باشد؛ و سپس فرزندش امام مجتبی (ع)، مالک اشتر و عمار یاسر را برای آگاهی و بسیج کوفیان اعزام فرمود (دستی، ۱۳۸۸)؛ هم‌چنین می‌توان از افشاگریهای آن حضرت درباره موضوع غصب خلافت در خطبه شمشقیه (نهج البلاغه، خطبه ۳) و نیز افشارگری نسبت به مفسد عمر و عاص (خطبه ۸۴) و اشعث بن قیس (خطبه ۱۹) نام برد.

۴ - ۴ - راهکارهای قضایی

دستگاه قضایی در جامعه اسلامی در صورتی می‌تواند وظیفه خود در پالایش و سالم سازی اجتماع را بخوبی به انجام رساند که خود از سلامت و صلابت لازم برخوردار باشد. تهیه و تدوین قوانین دقیق و متناسب با نیازهای زمان، بستن گریزراه‌های قانونی، به‌کارگیری افراد صالح و متخصص در قضاوت، تأمین مالی و منزلتی قضات و کارگزاران قضایی، فراهم سازی بسترهای لازم به‌منظور برخورد قاطع و بدون مماشات با مجرمان و مفسدان، نظارت بر دستگاه قضایی و ... از جمله راهکارهای بنیادی برای ارتقای جایگاه این دستگاه در اجرای وظایف خطیر آن است. در منشور حکومتی امیرمؤمنان علی (ع) به مالک اشتر، تمام این تمهیدات بخوبی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است: "ثُمَّ اخْتَرْتُ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ مِمَّنْ لَا تَضِيقُ بِهِ الْأُمُورُ وَلَا تُمَحِّكُهُ الْخُصُومُ وَلَا يَتَمَادَى فِي الرِّزْلِ وَلَا يَحْضُرُ مِنَ الْفِيءِ إِلَى الْحَقِّ إِذَا عَرَفَهُ وَلَا تُشْرِفُ نَفْسُهُ عَلَى طَمَعٍ وَلَا يَكْتَفِي بِأَذْنِي فَهَمُّ دُونَ أَقْصَاءَ وَأَوْفَقَهُمْ فِي الشُّبُهَاتِ وَ آخَذَهُمْ بِالْحُجَجِ وَأَقْلَهُمْ تَبَرُّمًا بِمُرَاجَعَةِ الْخُصْمِ وَأَصْبِرَهُمْ عَلَى تَكْشُفِ الْأُمُورِ وَأَصْرَمَهُمْ عِنْدَ اتِّضَاحِ الْحُكْمِ مِمَّنْ لَا يَزِدُّهُ إِطْرَاءٌ وَلَا يَسْتَمِيلُهُ إِغْرَاءٌ وَأَوْلَيْكَ قَلِيلٌ ثُمَّ أَكْثَرُ تَعَاهَدَ قَضَائِهِ وَأَفْسَحَ لَهُ فِي الْبَدْلِ مَا يُزِيلُ عَلَيْهِ وَعَقْلٌ مَعَهُ حَاجَتُهُ إِلَى النَّاسِ وَأَعْطَاهُ مِنَ الْمَنْزِلَةِ لَدَيْكَ مَا لَا يَطْمَعُ فِيهِ غَيْرُهُ مِنْ خَاصَّتِكَ لِأَمْنِ بَدْلِكَ اغْتِيَالِ الرَّجَالِ لَهُ عِنْدَكَ فَانظُرْ فِي ذَلِكَ نَظْرًا بَلِيغًا" (نهج البلاغه، نامه ۵۳): سپس از میان مردم، برترین فرد را نزد خود برای قضاوت انتخاب کن. کسانی که مراجعه فراوان، آنها را به ستوه نیاورد و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمناک نسازد؛ در اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق پس از آگاهی، برای او دشوار نباشد؛ طمع را از دل ریشه کن کند و در شناخت مطالب با تحقیقی اندک رضایت ندهد و در شبهات از همه با احتیاط تر عمل کند و در یافتن دلیل، اصرار او از همه بیشتر باشد و در مراجعه پیاپی شاکیان خسته نشود؛ در کشف امور از همه شکیباتر و پس از آشکار شدن حقیقت در فصل خصومت از همه برنده تر باشد. کسی که ستایش فراوان او را فریب ندهد و چرب

زبانی او را منحرف نسازد و چنین کسانی بسیار اندکند. پس از انتخاب قاضی، هر چه بیشتر در قضاوت‌های او بیندیش و آن‌قدر به او ببخش که نیازهای او برطرف گردد و به مردم نیازمند نباشد و از نظر مقام و منزلت آن‌قدر او را گرمی بدار که نزدیکان تو به نفوذ در او طمع نکنند تا از توطئه آنان در نزد تو در امان باشد. در دستورهایی که دادم نیک بنگر.

نتیجه گیری

حکومت از دیدگاه اسلام در برقراری قسط و عدالت اجتماعی به عنوان بستر تعالی معنوی افراد نقشی اساسی دارد. با توجه به این موضوع، می‌توان به ماهیت فساد اداری پی‌برد که اخلال در عملکرد بایسته نظام اداری جامعه اسلامی است به گونه‌ای که آن را از اهداف مورد نظر بازدارد. از دید قرآن کریم و احادیث معصومین(ع)، فساد اداری، پیامدها و آسیبهای بسیاری، هم برای مرتکبان فساد و هم برای جامعه در ابعاد مختلف به بار می‌آورد؛ از جمله اینکه موجب خسران دنیوی و کیفر قضایی، و نیز عقوبت اخروی می‌شود و با تضعیف نظام سیاسی و تخریب سامانه اقتصادی و ترویج انحرافات اخلاقی، عدالت اقتصادی را زایل می‌کند، فرهنگ جامعه را دگرگون می‌سازد و حکومت اسلامی را در معرض فروپاشی و نفوذ و سلطه بیگانگان قرار خواهد داد. با دقت در منابع اسلامی و بویژه سیره امام علی(ع) در دوران حکومت پنجساله آن حضرت، می‌توان به الگوی جامع و همه‌جانبه‌نگری در برخورد با فساد اداری دست یافت که همه زمینه‌های مسئله از سازوکارهای اداری گرفته تا بسترهای فرهنگی - اجتماعی، سیاستهای اقتصادی و سامانه قضایی را در برمی‌گیرد.

بنابراین در مجموع می‌توان گفت که فساد اداری به عنوان مانعی در تحقق کمال انسانی و مدینه فاضله الهی، مورد توجه و اهتمام ویژه اسلام است و با توجه به اتخاذ رویکرد سامانمند در مبارزه با فساد اداری، اسلام سعی در از بین بردن ریشه‌ها و زمینه‌های فساد اداری دارد و تنها به برخورهای قضایی در این زمینه بسنده نمی‌کند.

منابع فارسی

قرآن کریم.

نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی (۱۳۸۳). قم: سبیط النبی.

- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. تحقیق علی عبدالباری عطیه. ج ۲۷. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه. ج ۲۰. تحقیق ابراهیم، محمد ابوالفضل. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. قم: دار الشریف الرضی للنشر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. ج ۴. قم: مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق). زاد المسیر فی علم التفسیر. عبدالرزاق المهدی. ج ۱. بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. ج ۱۲. بیروت: دار صادر.
- امیری، علی نقی (۱۳۸۷). مدیریت اسلامی؛ تحلیلی مدیریتی بر فرمان امام علی علیه السلام به مالک اشتر. قم: فجر ولایت.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم. تحقیق سید مهدی رجائی. قم: دارالکتب اسلامیة.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. تحقیق مصطفی درایتی. قم: دفتر تبلیغات.
- خدمتی، ابو طالب؛ آقا پیروز، علی؛ شفیعی، عباس (۱۳۸۲). مدیریت علوی. قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. ج ۱۵. قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
- حسینی دشتی، مصطفی (۱۳۷۶). معارف و معاریف. ج ۷. قم: انتشارات دانش.
- دشتی، محمد (۱۳۸۸). امام علی (ع) و امور سیاسی. ج سوم. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. تحقیق عدنان صفوان. ج ۱. دمشق: دارالعلم الدار الشامیة.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۸). سرطان اجتماعی فساد. ج دوم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۷). توسعه و تضاد. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شاملو احمدی، محمد حسین (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی. بی جا: نشر دادیار.
- شعیری، تاج الدین (۱۳۶۳). جامع الأخبار. قم: انتشارات رضی.
- صفری، سعید؛ نائی، حمید رضا (۱۳۸۰). رویکردهای مختلف در مبارزه با فساد. مجموعه مقالات دومین همایش علمی و پژوهشی نظارت و بازرسی در کشور. انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن. ج ۶. بیروت: دار المعرفه.

طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵) مجمع البحرين. تحقیق سید احمد حسینی. ج ۱. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
 عالم، عبدالرحمن، (۱۳۸۹). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی.
 عباس زادگان، محمد عباس (۱۳۸۹). فساد اداری. ج دوم. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
 کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۶۶). تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین. ج ۹. ج سوم. تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.
 کوشکی، محمد صادق (۱۳۸۹ش). جستاری در مبانی سیاست مطلوب قرآن کریم. تهران: انتشارات عابد.
 کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
 لطیفیان، احمد (۱۳۸۶). عوامل موثر در فساد اداری و راههای مبارزه با آن. دو فصلنامه دانش و توسعه. ش ۴: ۲۴ تا ۵.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). بحار الأنوار. لبنان: مؤسسة الوفاء بیروت.
 محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸) مستدرک الوسائل. ج ۱۱. قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
 مهیار، رضا (بی تا). فرهنگ ابجدی عربی - فارسی. نرم افزار جامع التفاسیر نور ۱/۲
 نادری قمی، محمدمهدی (۱۳۷۸). قدرت در مدیریت اسلامی. تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
 نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵). دعائم الإسلام. ج ۲. تحقیق آصف فیضی. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
 یزدانی، اکرم؛ ربیع، لیلا (۱۳۸۹) مقاله فساد اداری. دانشجویان دانشگاه پیام نور ورامین.

www.masaejari.blogfa.com .

منابع انگلیسی

- Ertimi & Mohamed Ali Saeh. (2013) **The Impact of Corruption on Some Aspects of the Economy**, International Journal of Economics and Finance. 5(8) 1-8.
 Helne, Hans (1972): Der neue Nahe Osten. Frankfurt/M.: Suhrkamp.
 Husted, B. (2002) **“Culture and international anti-corruption agreements in Latin America”**, Journal of Business Ethics, Vol. 37, 403-12.
 Mauro, P. (1995) **“Corruption and growth”**, Quarterly Journal of Economics, Vol. 109. 681-712.
 Nye, J. S. (1967), **“Corruption and Political Development: A Cost-Benefit Analysis”**, American Political Science Review 61(2), 417-27.
 Stapenhurst, F. and P. Langseth. (1997) **The role of the public Administration in Fighting corruption**. International Journal of public sector Management, 10(5)
 USAID (2000) anti- corruption program, what is corruption? Anti corruption index oct.
 Zhao, J.H., Kim, S.H. and Du, J. (2003) **“The impact of corruption and transparency on foreign”**, direct investment: an empirical analysis”, Management International Review, Vol. 43 . 41-62.

